تأملی در مبنای حکومتی آیت‌الله بروجردی

(قسمت پایانی)

محمد سروش محلاتی

یادآوری

گفته شد سیزدهم شوال سالروز در گذشت فقیه سترگ شیعه آیت‌الله سیدحسین بروجردی است. ایشان از جمله فقهای نامدار شیعه می‌باشد که تأثیرات شگرفی را در حیات علمی، فرهنگی و حتی سیاسی حوزه‌های علمیه گذاشته و حق بزرگی بر روحانیت شیعه دارد. به همین مناسبت هر ساله بزرگداشت این مرجع بزرگ در حوزه‌های مختلف در قم و دیگر شهرها برگزار می‌شود و از خدمات منحصر به فرد ایشان تقدیر می‌گردد. صفحه حوزه نیز به سهم خود این مناسبت را گرامی داشته و مقاله وزین «تأملی بر مبنای حکومتی آیت‌الله بروجردی» به قلم استاد محمد سروش محلاتی را در چند قسمت تقدیم خوانندگان گرامی می‌کند. سه بخش از این مجموعه در هفته‌های گذشته ارائه شده است. محقق محترم در بخش سوم ملاحظاتی را در باره نظریه آیت‌الله بروجردی روا داشته و تا اینجا سه ملاحظه را بیان کرده است، در ملاحظه اول بیان شده که نظریه فقهی آیت‌الله بروجردی درباره ولایت فقیه، یکی از مضیق‌ترین نظریات در این موضوع است و در ملاحظه دوم همراهان آیت‌الله بروجردی در این نظریه بیان شده و در ملاحظه سوم بسیاری از نسبت‌هایی که به ایشان داده می‌شود بررسی شده است. و اینک قسمت پایانی:

د) اقدامات ولایی

نقل‌های متعددی وجود دارد که آیت‌الله بروجردی در برخی موارد به استناد ولایت فقیه، اقدامی نموده یا حکم فقیه جامع الشرائط را نافذ دانسته است. مثلا یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: «آیت‌الله بروجردی، نسبت به حکم فقها احترام و ادب زیادی داشتند، مثلا وقتی بنا شد در نجف اشرف از سوی ایشان امتحانی برگزار شود، آیت‌الله اصطهباناتی امتحان را تحریم کرد، و آیت‌الله بروجردی، برای اینکه حکم ایشان نقض نشود، دستور دادند که امتحان برگزار نشود. وروی همین مبنا که حکم فقیه را نافذ می‌دانستندزمانی که می‌خواستند برای قتل رزم آرا آیت‌الله کاشانی را محاکمه کنند ایشان اجازه ندادند و گفتند: «فقیه می‌تواند مطابق استنباط و اعتقادش حکم کند ونباید برای این حکم محاکمه شود» (لطف‌الله صافی، فخر دوران، ص۹۸)

***مباحث علمی آیت‌الله بروجردی در باب ولایت فقیه – در تقریرات شاگردانشان– نشان می‌دهد که اختیارات حکومتی فقها دارای نوعی محدودیت است**

ولی روشن است که این موارد، خارج از موضوع این مقاله است زیرا مربوط به اختیارات فقیه در امر کشورداری و تدبیر جامعه نیست، هرچند که حکم فقیه در اداره حوزه و یا در مجازات مجرمین نافذ و معتبر باشد، بعلاوه که حتی این دو نقل حتی در مورد خودش نیز نشان نمی‌دهد که نظر آیت‌الله بروجردی در باره نفوذ حکم حاکم چه بوده؟ زیرا ترتیب اثر دادن به حکم تحریم امتحان و تعطیل کردن امتحان، اعم از نفوذ شرعی آن است، چه اینکه دفاع از آیت‌الله کاشانی می‌تواند به این معنا باشد که چون ایشان مجتهد است و بر اساس استنباط خود حکم کرده، پس معذور است و نباید مورد تعرض قرار گیرد و این دفاع ملازمه با آن ندارد که از نظر آیت‌الله بروجردی نیز حکم فقیه در آن مورد خاص نافذ است. از این رو، طرح چنین مواردی در پاسخ به اینکه، «نظر آیت‌الله بروجردی درباره نفوذ حکم فقها چیست؟» چندان قانع‌کننده نیست.

یکی دیگر از شاگردان ایشان هم برای اثبات اینکه آیت‌الله بروجردی هم مثل امام خمینی به «ولایت مطلقه فقیه» قائل بوده است، این شاهد را آورده است که در هنگام تاسیس مسجد اعظم، ناچار شدند که برخی بقعه‌های مجاور حرم – محل دفن اموات – را خراب کنند و جزء مسجد قرار دهند، کسی به ایشان اعتراض می‌کند، که به چه مجوزی آنها را تصرف کردید؟، و ایشان می‌فرماید: «معلوم می‌شود این آقا هنوز ولایت فقیه درست برایش جا نیفتاده است» (مصاحبه آیت‌الله فاضل لنکرانی با مجله حوزه، شماره۴۳، سال ۱۳۷۰)ولی روشن است که این قضیه نیز نشان نمی‌دهد که آن مرحوم، درباره تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت چه نظری دارد و از آن نمی‌توان ولایت مطلقه به این معنا را استنتاج کرد.

ماجرای دیگر را هم آیت‌الله بدلا نقل می‌کند که هرچند نشان از وسعت نظر آن مرجع بزرگ دارد، ولی باز هم به مساله مهم تشکیل حکومت در عصر غیبت و تصدی آن توسط فقها مربوط نیست، ایشان می‌گوید: در زمانی که در قم خیابان کشی می‌شد و برخی خانه‌ها را تخریب می‌کردند، بعضی از فقها مقید بودند که از این خیابانها که در اراضی غصبی قرار دارد، عبور نکنند، ولی من یک بار با ایشان در پیاده رو عبور می‌کردم، که برخی پیشنهاد دادند که به شاه تذکر دهید این کار را در قم متوقف کند، ولی آیت‌الله بروجردی فرمود: امروز اوضاع دنیا عوض شده است، و در ممالک اسلامی هم ولو نسبت به حکومت اعتراضی داشته باشند، باید به چنین اصلاحاتی تن دهند تا کشورشان آباد شود، لذا ما در ایران این برنامه‌ها را که از سوی دولت انجام می‌شود تنفیذ می‌کنیم» (حسین بدلا، خاطرات، ص۱۵۱)

این نمونه نیز گویای آن است که آن فقیه فقید، در عصر حاکمیت جور، ضرورت‌های اجتماعی مسلمانان را قابل تعطیل نمی‌دانستند و اختیارات آن را بدست فقها می‌دانستند، و بیش از آن، نمی‌توان از آن نتیجه گیری کرد.

خلاصه آنکه از یک سو مباحث علمی ایشان در باب ولایت فقیه –درتقریرات شاگردانشان–نشان می‌دهد که اختیارات حکومتی فقها دارای نوعی محدودیت است، و از سوی دیگر، این نمونه‌ها و نظایر آنها، اختیاراتی فراتر و بیش‌تر از همان قیود و حدود را اثبات نمی‌کند.

ه)اشکالات نظریه

مبنای فقهی آیت‌الله بروجردی در باره حکومت، مانند هر اجتهاد دیگری می‌تواند مورد نقد و اشکال قرار گیرد، ولی نویسنده بر اساس تتبّع خود، تا کنون به اشکال قابل توجهی بر این نظریه برخورد نکرده و اشکالات مطرح شده، با تامل در کلام آن فقیه برجسته، قابل دفع می‌داند. مثلا مقرّر محقق ایشان، در اشکال به کلام استاد خود که «ائمه یا کسی را نصب نکرده اند، و با فقها را نصب کرده اند، و چون فرض اول باطل است، پس نصب فقیه قطعی است» می‌گوید: اگر شیوه تحقق ولایت، منحصر در نصب از بالا بود –آنگونه که ظاهر کلام ایشان است– استدلال ایشان تمام بود، اما اگر در این مقدمه مناقشه شود و با انتخاب مردم نیز امامت محقق شود، البته در طول نصب، –آنگونه که ما پذیرفته ایم– پس ممکن است ائمه امور ولایی را در عصر غیبت به انتخاب مردم محوّل کرده باشند:

« أقول: أمّا ما ذکره– طاب ثراه– من أنّ **الأئمة** «ع» إمّا إنّهم لم ینصبوا لهذه الأمور أحدا و أهملوها، أو إنّهم نصبوا الفقیه و أمّا إن نوقش فی ذلک و قیل بما قوّیناه من أنّها تنعقد بانتخاب **الأمّة** أیضا **غایة** الأمر کونه فی طول النصب فنقول: لعلّ الأئمهً– علیهم السلام– أحالوا الأمور الولائیّة فی عصر **الغیبة** إلی انتخاب **الأمّة**» (دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة؛ ج۱، ص: ۴۶۰)

***مبنای فقهی آیت‌الله بروجردی در باره حکومت، مانند هر اجتهاد دیگری می‌تواند مورد نقد و اشکال قرار گیرد**

پاسخ روشن این اشکال آن است که اساسا بحث آیت‌الله بروجردی در موضوع شرائط "قبض ید" وتسلط جائر است، یعنی اموری که با سلطه حاکم جائر، توسط فقها تصدّی می‌شود و ائمه هم برای همین امور تعیین تکلیف کرده اند، و درباره این امور، چاره‌ای جز نصب عام وجود ندارد، زیرا برگزاری انتخابات برای تعیین حاکم، در چنین شرائطی، امکان پذیر نیست، مگر نه این است که آیت‌الله بروجردی نظم بلاد و دیگر امور مربوط به بسط ید را خارج از مفاد قطعی و یقینی مقبوله می‌داند؟ به علاوه اگر انتخاب در طول نصب (و با فرض عدم نصب) است و اگر عمربن حنظله از تکلیف خود در عصر حضور امام منصوب منصوص، سوال کرده، و اگر سوال او را امام بدون پاسخ نگذاشته و خروج مورد سوال از اطلاق کلام، قبیح است، پس اساسا، در فرض سوال، "انتخاب حاکم"، فرض ندارد.

همچنین اشکال به ایشان که چرا به روایت ابی خدیجه که مربوط به نصب قاضی است و نه رهبر، استدلال کرده است، بی‌مورد است (البدر الزاهر، ص۷۳، پاورقی مقرّر) زیرا که حضرت بروجردی ولایتی در همان حد شئون قاضی و لوازم ان را از روایت استفاده می‌کند، و ادعای بیشتری ندارد.

و)تاثیر نظریه آیت‌الله بروجردی

بحث کوتاه و موجز آیت‌الله بروجردی در زمینه ولایت فقیه تاثیر عمیقی در مباحث علمای بعد داشته است، و چه کسانی که همان رای را پذیرفته‌اند و چه کسانی که به آراء دیگری رسیده‌اند، کاملا تحت تاثیر شیوه استدلال ایشان قرار داشته اند، چرا که دو عنصر اساسی «اتقان» و «ابتکار»، از امتیازات آن به شمار می‌رود. مثلا آیت‌الله بروجردی پایه و اساس بحث را بر دو مقدمه قرار داده اند: یکی آنکه در جامعه اموری وجود دارد که در قلمرو تکالیف افراد نیست و باید توسط حاکمان اداره شود، دیگر آنکه در اسلام دین و سیاست به یکدیگر آمیخته است و اکثر احکام اسلام به سیاست مدن و تنظیم امور جامعه مربوط می‌شود که بدون تشکیل دولت قابلیت اجرا ندارد، مثل حدود و قصاص و دیات، و اخماس و زکوات، از این رو وجود حکومت در فضای این احکام و برای تحقق آنها، ضروری است. (البدر الزاهر ص۷۴) بر این اساس، توجه به فلسفه سیاسی احکام، از امتیازات ویژه این مباحث فقهی است که در گذشته کمتر مورد توجه بوده است: « الاسلام، دین امتزجت **السیاسیة بالعبادة**، و **العبادة بالسیاسة**، کما تری فی **فریضة** الحج، فهی من افضل القربات، و فی عین هذا الحال من أعظم السیاسات لاجتماع المسلمین» (تبیان الصلاة؛ ج۱، ص: ۹۲) این سبک از مقدمه چینی برای ولایت فقیه، که در کلام ایشان دیده می‌شود، بلافاصله، در بحث ولایت فقیه امام خمینی، بازتاب پیدا می‌کند (امام خمینی، کتاب البیع، ج۲، ص۶۱۸) و همین مقدمات ایشان را به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت رسانده است.

از سوی دیگر ایرادات کسانی که در ادلّه ولایت فقیه مناقشه کرده و نظریه نصب فقها را مورد نقد قرار داده اند، در همان مباحث مختصر آن فقیه عالی مقام، قابل ردیابی و شناسائی است. مثلا مهمترین اشکال آیت‌الله منتظری در ادله نصب آن است که نصب عام، به معنی مجاز بودن تصدی حکومت، توسط هر فقیه است که به هرج و مرج و اختلاف می‌انجامد، ایشان در این باره، فروض مختلفی را مطرح، و مورد نقد قرار داده اند، (دراسات فی ولایة الفقیه، ج۱، ص۴۱۰) ولی اصل این اشکال به صورت موجز در کلام استاد ایشان است که نصب عام در امور جزئی، معقول است، ولی در امور اجتماعی، با توجه به اختلاف نظر بین فقها، غیر معقول است: «أن بعض الأمور غیر **قابلة** لجعل أشخاص **متعددة** لها و لا یناسب جعل **الولایة العامة** لها... یقع الاختلاف و التنازع و التشاجر کثیرا» (تبیان **الصلاة**؛ ج۱، ص: ۹۷) البته آیت‌الله بروجردی همه آن فروض را مطرح نکرده‌اند چرا که ایشان بحث را بر اساس همان تلقی رایج از نصب عام، یعنی ولایت فعلی و استقلالی برای هر یک از فقها، به پیش برده‌اند و از طرح فروضی که به دور از تلقی فقهاست مثل آنکه مجموع من حیث المجموع منصوب باشد، احتراز کرده‌اند. البته مناسب بود که در بحث‌های کتاب دراسات فی **ولایة** الفقیه، به این ماخذ اصلی، اشاره‌ای صورت می‌گرفت.

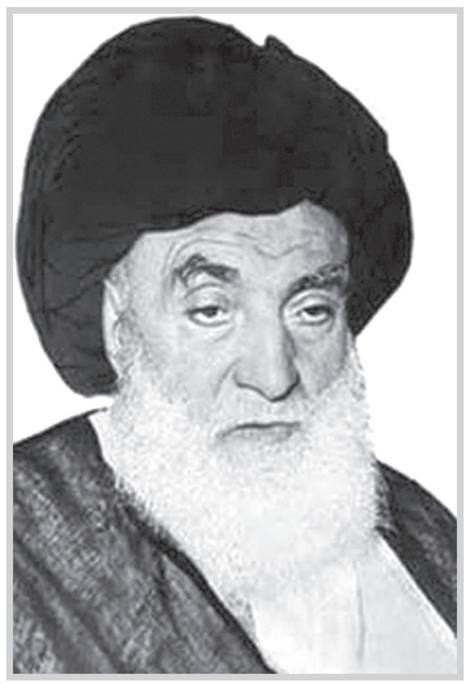

هم چنین یکی از نتایج مبنای آیت‌الله بروجردی در تحلیل مقبوله عمربن حنظله این است که چون این مقبوله مربوط به شرائط «قبض ید» امام علیه السلام و حاکمیت سلطان جائر است، پس نصب قضات بر طبق آن نمی‌تواند مربوط به شرائط" بسط ید" و تشکیل حکومت اسلامی باشد، از این رو این روایت هرچند بر اعتبار شرط اجتهاد در قاضی دلالت می‌کند، ولی این اشتراط مربوط به شرایطی است که امکان نصب خاص برای امام مسلمین نبوده است و اگر روایت تعمیم یابد مربوط به شرائط مشابه با آن در عصر غیبت است، ولی آیا از این روایت می‌توان استفاده کرد که در صورت تشکیل حکومت اسلامی، باز هم نصب عام نسبت به قضات وجود دارد، و اجتهاد شرط این منصب است؟

پاسخ آیت‌الله فاضل لنکرانی که متاثر از همان تحلیل است منفی است. ایشان با اشاره به مقبوله می‌گوید:

« لم یکن **للأئمّة** (علیهم السّلام) **القدرة الموجبة** للنصب الخاصّ **بالإضافة** إلی الأفراد الذین هم مورد لنظرهم؛ لأنّ **القدرة** و **السلطة** کانت فی اختیار الجائرین الغاصبین، فیمکن أن یقال: بأنّ مفاد **المقبولة** النصب العامّ **بالإضافة** إلی زمن الحضور، و أمّا إذا کان الحاکم لائقاً شرعاً **للحکومة**، فلا **حاجة** إلی الاجتهاد المطلق» (تفصیل **الشریعة** فی شرح تحریر **الوسیلة** – القضاء و الشهادات؛ ص: ۵۱)

آن مبنا، دارای نتایج و پیامدهای دیگری نیز هست که باید یه طور مستقل به آنها پرداخت.

ح)ابهام نظریه آیت‌الله بروجردی

آیت‌الله بروجردی بحث از ولایت فقیه را با تکیه بر زیر ساخت‌های حکومتی آغاز کرده است: بحث از ضرورت حکومت، بحث از تعطیل ناپذیری حکومت در هیچ عصر و زمانی، بحث از بافت حکومتی احکام و قوانین اسلامی و.... ولی در نظریه نهایی ایشان و در استنتاج پایانی از آن مبانی و مقدمات، چه اثری از آنها، دیده می‌شود؟ آیا آیت‌الله بروجردی به اتکای آن اصول، به یک نظریه حکومتی در عصر غیبت رسیده است؟ و یا توانسته است نشان دهد که بر طبق آن مبانی، حکومت مشروع در این زمانه چیست؟

***بحث کوتاه و موجز آیت‌الله بروجردی در زمینه ولایت فقیه تاثیر عمیقی در مباحث علمای بعد داشته است، و چه کسانی که همان رای را پذیرفته‌اند و چه کسانی که به آراء دیگری رسیده‌اند، کاملا تحت تاثیر شیوه استدلال ایشان قرار داشته‌اند.**

نظریه نهایی فقیه بروجردی همان است که از قرن‌ها پیش فقها مطرح کرده‌اند که که در امور ضروری مثل رسیدگی به امور محجوران، به فقها باید مراجعه کرد، ولی برای رسیدن به این نظریه، چه نیازی به آن مقدمات وجود دارد؟ و اگر کسی منکر آن مقدمات باشدو اصلا اسلام را یک دین غیر سیاسی و غیر حکومتی بداند، مگر به این نتیجه نمی‌تواند برسد؟ و مگر فقهایی که از آنجا شروع نکرده‌اند به همین نقطه نرسیده اند؟ پس مطرح کردن آن اصول چه فائده‌ای دارد و به اتکای آنها، چه مشکلی را می‌توان حل کرد؟

این نویسنده تا کنون به پاسخی در این زمینه نرسیده و هرچند بارها مباحث آن فقیه فرزانه را مرور کرده و در آن تامل نموده، ولی این ابهام همچنان برای او باقی است، کسی که بحث‌های ایشان را در آن چند تقریر می‌خواند، احساس می‌کند که بحث ابتدا با یک جهت گیری کاملا سیاسی و حکومتی آغاز می‌شود، ولی در میانه راه، جهت گیری آن تغییر می‌کند و در نهایت در نقطه‌ای که با آغاز آن هم خوانی ندارد، توقف پیدا می‌کند. دلیل این اتفاق چیست؟

– آیا آیت‌الله بروجردی در ضمن بحث، از ادامه دادن به آن مباحث، منصرف می‌شود و به دلیل برخی از محذورات در حوزه، و یا بیرون آن، از ابراز رای واقعی خود طفره می‌رود؟

– و یا در ضمن بحث، متفطّن اشکالاتی می‌شود که اگر بخواهد بر آن اصول اصرار نماید، مثلا باید با فتوای اصحاب در بسیاری از موارد مثل نماز جمعه، جهاد ابتدائی و امور دیگر، مخالفت کند؟

– و یا لازمه حکومتی دیدن فقه و سپردن آن به دست فقیه حاکم را، تجدید نظر در بسیاری از فتوای دیگر خود از قبیل تصدّی و مصرف خمس می‌بیند و این تغییر برایش دشوار است، چه اینکه در مباحث خمس ایشان، هیچ اشاره‌ای به حکومتی بودن این مالیات و ولایت فقیه در آن دیده نمی‌شود، بلکه آن را به صراحت نفی می‌کند (ر.ک: **زبدة** المقال – تقریرات به قلم سید عباس حسینی، ص۱۴۳)

– و یا آنکه بر اساس مشرب فقهی خود، چون استنباط احکام به اصول متلقاة مقید بوده و مقبوله عمر بن حنظله را در آن چهارچوب دیده ولی فراتر از آن به دلیل کافی نرسیده است، لذا در همان حد مقبوله توقف کرده و برای فتوا در قلمرو بیش از آن، مستندات کافی برای خود ندیده است؟

– یا التزام به ولایت فقها در حکومت‌داری را بر اساس مبنای پذیرفته شده «نصب عام» با تالی فساد «نزاع و اختلاف» همراه دیده و مانند امامت جمعه به دلیل این لازمه، غیر قابل قبول دانسته، و اثبات ولایت انها را بر اساس مبنای دیگر را هم دشوار دیده است، چه اینکه در مشروعیت دولت‌های دیگر نیز تامل داشته و یا اظهار آن را به مصلحت نمی‌دیده است؟

***نظریه نهایی فقیه بروجردی همان است که از قرن‌ها پیش فقها مطرح کرده‌اند که در امور ضروری مثل رسیدگی به امور محجوران، به فقها باید مراجعه کرد، ولی برای رسیدن به این نظریه، چه نیازی به آن مقدمات وجود دارد؟**

– و یا اقتضای دلیل فقهی را در باب ولایت فقیه ذکر کرده که چقدر ضیق و محدود است، ولی با اوردن آن مقدمات محکم و اساسی خواسته تلویحا بفهماند که با مقبوله نمی‌توان سرنوشت حکومت را معلوم نمود و مفاد این روایت نمی‌تواند بار سنگین آن مقدمات را که مبتنی بر لزوم تشکیل حکومت و لزوم اجرای احکام شرع و تدبیر نظام اجتماعی است را بر دوش بگیرد. این فقیه بزرگ زمان شناس و فقه شناس، اگر به بحث مقبوله اکتفا کرده بود و آن مقدمات را ذکر نمی‌کرد، متّهم به آن می‌شد که بروجردی فقیهی است که به اقتضاء حکومت آگاهی ندارد و یا رابطه حکومت و شریعت را نمی‌شناسد و یا از آن غفلت دارد، و ذهن و فکرش، از مقبوله فراتر نمی‌رود، و یا او هم می‌خواهد که همه بار حکومت را یکجا بر مقبوله قرار دهد، (مثل نائینی، المکاسب و البیع، ج۲، ص ۳۳۶)، شاید آیت‌الله بروجردی با اوردن آن مبانی و اصول، و با آوردن این نتیجه می‌خواهد تلویحا بفهماند که با این مقبوله که «تنها» سرمایه فقهی ما در ولایت فقیه است، بسیاری از سوالات ما درباره آن اصول و مبانی، بدون پاسخ می‌ماند.

– و یا احتمالات دیگری که می‌تواند مطرح باشد،

– و بهر حال شگفت آور است که فقیهی با آن روشن بینی سیاسی و اجتماعی، و با آن احاطه علمی به منابع فقهی و مصادر آن، وقتی به مساله «تکلیف حکومت در عصر غیبت» می‌رسد، اینگونه آرام از کنار ان عبور نموده و لب فرو می‌بندد. از سکوت او چه می‌توان فهمید؟

رادیو معارف، فرصت‌ها و تهدیدها

تاریخچه

با پیروزی انقلاب اسلامی، بار دیگر دین و دینداری به ویژه حکومت و نظام دینی در کانون توجهات مردم دنیا، محافل علمی، فرهنگی و سیاسی قرار گرفت. در این برهه، اگر چه حضور دین در عرصه‌های اجتماعی مورد استقبال بی‌نظیر قاطبه انسان‌های با وجدان و منصف قرار گرفت اما از سوی دیگر مورد بغض و دشمنی قدرت‌مندانی قرار گرفته که دنیای فسادآلود خود را در معرض خطر می‌دیدند و انواع هجمه‌ها را نیز به این رویکرد از دین شروع کرده بودند. دنیای غرب به خوبی دریافت که دین و دین مداری جوامع، مانع اصلی دستیابی آنان به اهداف شان است، از این رو آشکارا به دین و اندیشه‌های اسلامی حمله‌ور گردیدند تا هر چه می‌توانند جلوی اندیشه دین گرایی در دنیای معاصر را بگیرند. در این میان سهم رسانه‌ها بخاطر تأثیرگذاری ژرف بر افکار عمومی از همه بیشتر بوده است. از این رو امپراطوری‌های رسانه‌ای دنیا به به یکباره به ابزار مبارزه با دین به ویژه دین حکومت مدار تبدیل شدنده‌اند. از این طرف نیز نظام اسلامی که به برکت مجاهدت‌های امام خمینی و یاران با وفای او به وجود آمده است، نمی‌توانست نسبت به این مقوله حساس بی‌تفاوت بماند، از اینجا بود که رسانه ملی در جمهوری اسلامی با اشراف و اذعان به این جنگ رسانه‌ای بر آن شد تا در کنار شبکه‌های مختلف عمومی، رسانه‌ای دینی با نگاه تخصصی تأسیس کند. چرا که باور پیدا کرد، چنانچه درهیاهوی رسانه‌های مدرن و متکثر امروز، نیازهای دینی مردم رسانه‌ای نشود؛ حذف دین یا انزوای دینداران حتمی است. بنا براین لازم بود؛ رسانه ملی در ایران با مدیریت دقیق و صحیح پیام دینی علاوه بر دفع شبهات، ابعاد وجلوه‌های کاربردی اسلام را نیز تبیین کند که اگر این پیام به درستی مهندسی و مدیریت شود؛ حلاوت دینداری مانع نفوذ اندیشه‌های انحرافی خواهد شد و رادیو به عنوان رسانه گرم و در دسترس می‌تواند طلایه‌دار صدای فضیلت و فطرت انسان‌های دیندار باشد.

ناگفته پیدا است، گرچه ایجاد گروه معارف در شبکه‌های مختلف صدا و سیما تا حدودی این نیاز را تامین می‌کرد، اما عدم دسترسی به کارشناسان خبره حوزوی از سویی و احاطه نداشتن برنامه سازان در حوزه معارف در برنامه‌های معارفی به حدی نمایان بود که مقام معظم رهبری در دیدار با گروه معارف رادیو این نکته را تاکید کردند و فرمودند: «...اگر رادیو پا جلو می‌گذارد و می‌گوید من هم در قضیه‌ی معارف حضور دارم، آن وقت بایستی چیزی را بدهد که مورد نیاز جامعه است. شما به سطح معارف اسلامی کنونی کشور نگاه کنید؛ رادیو باید آن عالیترین و بهترین سطح را ارائه بدهد.». امری که دغدغه مراجع معظم تقلید، علما و فضلای حوزه و همه دردمندان دینی نیز بوده است. از اینجا بود که جرقه ایجاد رادیو معارف زده شده و در ۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۷۷ به برکت سالروز ولادت حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله علیها) رادیو معارف با الگوگیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری و مراجع معظم تقلید، یکی از بهترین دستاوردهای رسانه‌ای انقلاب اسلامی در شهر مقدس قم به بار نشست تا با استفادهٔ بهینه از حوزهٔ علمیهٔ قم، معارف دین، از این سرزمین به سراسر جهان رسانده شود و رادیو معارف از مصادیقِ عینی حدیثِ شریف «فَیفیضُ العِلم منه الی سایرِ البِلاد» باشد.

***در ۲۸ بهمن ماه سال ۱۳۷۷ به برکت سالروز ولادت حضرت فاطمه معصومه (سلام‌الله علیها) رادیو معارف با الگوگیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری و مراجع معظم تقلید، یکی از بهترین دستاوردهای رسانه‌ای انقلاب اسلامی در شهر مقدس قم به بار نشست**

قم پایگاه معارف دینی

چنان که اشاره شد هدف از تأسیس رادیو معارف، حضور رسانه‌ای برای تبیین و ترویج پیام‌های دینی بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام در سپهر رسانه‌ای بود. طبیعی است برای رسیدن به این هدف لازم بود هم افزایی و هم گرایی با حوزه و دانشگاه ایجاد شود، لذا با ارتباط سیستمی میان رادیو معارف و حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها از توان و ظرفیت علمی و پژوهشی آن‌ها برای غنابخشی به برنامه‌ها استفاده می‌شود.

از سوی دیگر قم خاستگاه انقلاب و پایگاه تولید فکر و اندیشه دینی است. حضور پربرکت مراجع عظام تقلید، وجود حوزه‌های دینی و مؤسسات پژوهشی، قم را در جهان سرآمد کرده است. اکنون جهانیان به قم نگاه ویژه‌ای دارند. لازم بود در کنار این دریای عظیم معرفتی، رسانه‌ای به ترویج و تبیین تولیدات دینی این مرکز می‌پرداخت.

تأسیس و استقرار رادیو معارف در قم خدمت به دین و انقلاب بود و اکنون این رسانه دینی از توان علمی حوزه‌های علمیه برای غنابخشی به برنامه‌های خود نهایت استفاده را می‌کند.

مأموریت رادیو معارف

تولید و پخش برنامه‌های رادیویی در همه عرصه‌های علوم انسانی – اسلامی بر اساس آموزه‌های وحیانی و تعالیم پیشوایان معصوم «علیهم‌السلام» به منظور تحقق اسلام ناب محمدی «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» به عنوان «نظام جامع علمی و عملی» در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی مخاطبان هدف در چارچوب اصول، خط مشی‌ها و سیاست‌های مصوب سازمان صدا وسیمای جمهوری اسلامی، مأموریت اصلی رادیو معارف می‌باشد. و اینک پس از چند دوره بازنگری در تعداد و ماموریت گروه‌های برنامه‌ساز این رسانهٔ دینی، براساس مصوبهٔ سازمانی، چهار گروه برنامه‌ساز برای رادیو معارف در نظر گرفته شده است که عبارتنداز:

۱ –گروه قرآن و اهل‌بیت«ع»

گروه قرآن و اهل بیت علیهم السلام یکی از گروه‌های چهارگانه رادیو معارف است که مأموریت دارد برنامه‌های رادیویی را با رویکرد تبیین، ترویج و نقد در حوزه‌های «تاریخ و علوم قرآن»، «تاریخ و علوم حدیث»، «تاریخ انبیاء»، «تاریخ اسلام» و «سیرهٔ معصومین» طراحی تولید و پخش کند.

۲ –گروه فقه و اندیشه

«طراحی، تولید و تامین برنامه‌های رادیویی با رویکرد تبیین، ترویج و نقد در حوزه‌های فقه و اصول، حقوق، اقتصاد، منطق و فلسفه، عرفان، مهدویت، ادیان و مذاهب، کلام و دین‌پژوهی»، از وظایف این گروه می‌باشد.

۳ –گروه فرهنگ و جامعه

این گروه طراحی، تولید، و تامین برنامه با رویکرد تبیین، ترویج و نقد حوزه‌های اخلاقی، خانواده، ادبیات هنر و دفاع مقدس را به عهده دارد و در سپهر رسانه‌ای دینی حمایت و پاسداری از کیان خانواده بر پایه فرهنگ ناب محمدی در راستای ترویج سبک زندگی اسلامی – ایرانی را دنبال می‌کند.

۴ –گروه اخبار معارفی و اطلاع رسانی

طراحی، تولید و تأمین برنامه با رویکرد «خبر» و «اطلاع‌رسانی» در حوزهٔ معارف اسلامی و تبیین، تحلیل و نقد در حوزه‌های «سیاسی» و «تاریخ معاصر» ایران و جهان نیز مأموریت این گروه می‌باشد.

***تأسیس و استقرار رادیو معارف در قم خدمت به دین و انقلاب بود و اکنون این رسانه دینی از توان علمی حوزه‌های علمیه برای غنابخشی به برنامه‌های خود نهایت استفاده را می‌کند**

رادیو سراسری معارف در نخستین سال فعالیتِ خود با ۸ ساعت پخش، پیام‌های معرفتی را از طریق امواج به خانه‌ها فرستاد. تولید و پخش این رادیو در سال ۱۳۷۸ به ۱۴ ساعت، و سپس به ۲۱ ساعت افزایش یافت که در نهایت از سال ۱۳۸۲، پخش برنامه‌های رادیو معارف، ۲۴ ساعته شد. رادیو معارف اکنون با تولید و تأمین ۲۰ ساعت برنامه و ۲۴ ساعت پخش، مورد توجه عُموم مردم به‌ویژه نخبگان و فرهیختگان جامعه قرار گرفته است. فرکانس رادیو معارف نیز – موج FM ردیف ۹۶ مگاهرتز و – موج AM ردیف ۱۰۷۱ کیلو هرتز می‌باشد.

فرصت‌ها

تأسیس رادیو معارف و استقرار آن در قم علاوه بر این که موجب مسرت و شادی متدینان و دغدغه‌مندان دینی در سراسر کشور بلکه جامعه شیعی برای ترویج و تبلیغ معارف حقه دین و تشیع شده است، فرصت ذی قیمتی برای حوزه‌های علمیه و روحانیت بوده است تا بتوانند با ابزار مدرن، در کمترین زمان و بهترین مجال، پیام دین را به گوش علاقمندان برسانند و در واقع با تأسیس مسجدی عمومی و منبری فراگیر در اقصی نقاط کشور با مخاطبان خود ارتباط برقرار نمایند. و انصافاً طی هجده سال که از عمر این رسانه می‌گذارد، به نسبت به شبکه‌های دیگر به خوبی توانسته است مخاطبان انبوه خود را پیدا کرده و سطح معارفی کشور را ارتقاء بخشد. در این راستا رادیو معارف به عنوان طلایه‌دار رسانه انقلابی، با توکل به خدای متعال و توسل به ارواح پاک پیشوایان معصوم «علیهم‌السلام» و تکیه بر پشتیبانی علمی حوزه‌های علمیه و قدرت مدیریتی، هنری و تجهیزاتی سازمان صدا و سیما تلاش کرد قدم‌های مؤثری را در نزدیک شدن به طراز رسانه‌ای بردارد که به برکت رهنمودها و توجه ویژه رهبر انقلاب اسلامی و حمایت‌ها و هدایت‌های بی‌دریغ مراجع معظم تقلید و نخبگان، به الگویی کارآمد تبدیل شود به طوری که تا سال ۱۳۹۳ با تمام اوج و فرودها و...، به وضعیت بالنده‌ای رسیده و با شبکه‌های مطرح در جشنواره‌ها به رقابت پرداخته و در عرصه برنامه‌های بدون موسیقی سازی به الگو تبدیل شده است که اعلام رضایت مقام معظم رهبری، مراجع عظام تقلید و جامعه نخبگانی از برنامه‌های این رسانه دینی، گواه این ادعاست.

درخشش این رسانه دینی در جشنواره‌های ملی و بین المللی، ارائه الگوی مطلوب برنامه‌های بدون موسیقی سازی، تدوین منظومه موضوعات دینی برای رسانه، ایجاد کانال زبان دوم رادیو معارف، مدیریت پژوهش صدها موضوعات دینی در رسانه، و.. از نمودهای نزدیک شدن این رادیو به طراز رسانه دینی مورد تأکید مقام معظم رهبری و مراجع معظم تقلید است.

انس و الفت مستحکم جامعه دینی با این رادیو، ارتباطات پیگیرانه مخاطبان با این رسانه، اشتیاق وافر موسسات دینی برای همکاری با رادیو معارف از دیگر شاخصه‌هایی است که نزدیک این رادیو را به طراز مورد انتظار نشان می‌دهد.

از امتیازات ویژه رادیو معارف، برخورداری این مجموعه از دانش آموختگان حوزه علمیه است که اکثر قریب به اتفاق مدیران و برنامه سازان این رسانه از طلاب فرهیخته حوزه علمیه به شمار می‌روند.

ورود رادیو در تمام عرصه‌های موضوعی و گستره مخاطبان با طرح کاربردی معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام، ارائه تحلیل دینی از گزاره‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، پاسخ گویی شفاف و کارشناسانه به تمام شبهات دینی، ایجاد نشاط معنوی در میان جامعه مخاطبان و... از سایر ویژگی‌های برجسته این رادیو است که کارشناسان رسانه و مخاطبان بدان اذعان دارند.

***انس و الفت مستحکم جامعه دینی با این رادیو، ارتباطات پیگیرانه مخاطبان با این رسانه، اشتیاق وافر موسسات دینی برای همکاری با رادیو معارف از دیگر شاخصه‌هایی است که نزدیک این رادیو را به طراز مورد انتظار نشان می‌دهد**

بدیهی است رادیو سراسری معارف برای رسیدن به چنین جایگاهی راه طولانی و پر افت و خیزی را پیموده و با پشتیبانی و ارشادات بزرگان حوزه‌های علمیه، حمایت دلسوزانه مدیران ارشد رسانه ملی، همدلی، مدیریت و حرکت جهادی مدیران و برنامه سازان توانست تهدیدها را به فرصت تبدیل و بر سپهر رسانه‌ها بدرخشد. و به ویژه آن که به کانال ارتباطی مردم با حوزه‌های علمیه و کارشناسان خبره آن تبدیل شده و مهم‌تر آن که طرف اعتماد جامعه متدینان قرار گیرد. و این فرصتی است که نه به راحتی قابل دستیابی بود و نه به آسانی قابل از دست دادن.

***رادیو معارف مدتی است به بهانه کوچک سازی، مورد بی‌مهری مدیران وقت رسانه ملی قرار گرفته و در اقدامی غیر کارشناسانه و شتاب زده از مجموعه معاونت صدا خارج و در عداد رادیوهای محلی قرار گرفته است**

تهدیدها

رادیو معارف با همه افتخاراتی که در سالیان متمادی کسب کرده است اینک با تهدیدهایی مواجه است که بی‌توجهی به آن ممکن است جبران ناپذیر شده و با خدشه به جایگاه این رسانه پر مخاطب، اعتماد مردم به آن را نیز متزلزل نماید که در اینجا به چند مورد اشاره می‌گردد:

۱. کوچک سازی غیر تخصصی – این رسانه دینی با وجود بی‌بدیل بودن، در عصری که رسانه‌های معاند با تجهیزات تمام، مدام علیه معار